

NEW DECEIT IN CHRISTIAN EVANGELISM

نیرنگ جدید مسیحیت تبشیری

نویسنده: شیخ احمد دیدات رحمه‌الله

مترجم: بهرام

بسم الله الرحمن الرحیم

نیرنگ جدید

مسیحیت تبشیری

نویسنده: شیخ احمد دیدات (رحمه الله)

مترجم: بهرام

مشخصات کتاب

نیرنگ جدید مسیحیت تبشیری

نویسنده: شیخ احمد دیدات (رحمه‌الله)

مترجم: بهرام / تاریخ پایان ترجمه و ویرایش نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/٦، ساعت۲۰:۲۳

ویراستار و صفحه‌آرا: نوید نوری

ناشران: رد شبهات ملحدین / کانال تلگرام «دکتر ذاکرنایک»

بهار ۱۳۹۹



no-atheism.net
no_atheism
islamway1434
asteira



doctor_nick
loginislam

فهرست مطالب

از احمد دیدات، خطاب به تمامی مسلمانان! ۱
هدف آن‌ها این است که این سرزمین اسلامی را به سرزمینی مسیحی تبدیل کنند. ۱
اسلحه و زرهِ ما در این جنگ، فقط قرآن است. ۱
تاریخ آغاز جنبش تبشیری ۲
مراحل تبشیر ۲
مرحلۀ اول: مسیحی‌کردن مسلمانان ۲
مرحلۀ دوم: خروج از اسلام یا گمراه‌شدن ٤
مرحلۀ سوم: دورشدن از اسلام ۵
نقشه‌های ایوانجلیست‌ها برای ازبین‌بردن اسلام ٦
ازبین‌بردن قرآن ۷
ازبین‌بردن اخلاق اسلامی ۷
ازبین‌بردن اتحاد مسلمانان ۷
بدگُمان‌کردن مسلمانان نسبت به دینشان ۸
ساختن دیکتاتوری سیاسی در جهان اسلام ۸
یک روش موفق برای کسانی که در برابر مسیحیانِ گمراه ایستادگی می‌کنند. ۸
سخنی با خوانندگان ۹

پیشگفتار مترجم

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِیدًا﴾ (سورۀ احزاب، آیۀ ۷۰)

«ای مؤمنان! از خدا بترسید و سخن حق و درست بگویید.»

در تمام سال‌هایی که مشغول بحث با مخالفین اسلام و نقد آن‌ها بوده‌ام، نکته‌ای که همیشه برای من جالب بوده این است که همۀ منقدین دین اسلام (مخصوصاً خداناباوران) در دعوتِ خویش همیشه منقد هستند؛ نه مبلغ؛ یعنی همیشه سعی در تخریب دین اسلام دارند؛ به‌جای اینکه آن‌ها از محاسنِ روش و عقیدۀ خود برای ما سخن بگویند...؛ در حالی که قرآن از همان ابتدا، مسلمانان را از توهین، تخریب و تهمت به مخالفان نهی کرده است.

مسیحیان تبشیری نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و موج ناباوری ایجاد شده نیز تحفۀ آنان به امت اسلامی است. جامعۀ جهانی که گسترش اهداف استعماری خود در جهان شرق و خاورمیانه را در گروِ گسترش مسیحیت می‌دید، با سرمایه‌گذاری میلیاردها دلاری، ده‌ها هزار مبلغ مسیحی را به سرزمین‌های اسلامی روانه کرد و امید زیادی به مسیحی‌کردن ممالک اسلامی داشتند؛ به‌طوری که زویمر، مبشر مسیحی، اعتقاد داشت ظرف ۳۰ سال، کل عربستان را مسیحی خواهد کرد؛ ولی بعد از شکست عظیم این طرح، کینۀ اسلام را شدیدتر به دل گرفتند و وقتی فهمیدند که نمی‌شود مسلمانان را مسیحی کرد، تصمیم گرفتند آن‌ها را بی‌دین و از اسلام دور کنند؛ به همین دلیل، با تمام قدرت در طول دهه‌ها به نشر الحاد و بی‌دینی و همچنین فحشا در خاورمیانه با تمام توان خود مشغول شده‌اند. با این کار، دیگر کسی با جهاد علیه آنان به پا نخواهد خواست و این‌گونه با کمترین هزینه می‌توانند ادامۀ جنگ‌های صلیبی را به نفع خود رقم زنند. مسیحیان تبشیری سال‌ها میان مسلمانان زندگی کردند و با انواع آداب، فرهنگ، سلایق، عقاید و ... آن‌ها آشنا شدند و این اطلاعات ارزشمند را به اتاق‌های فکر در غرب، منتقل کردند؛ برای مثال، مبشر مسیحی، «ساموئل مارینوس زویمر»، کتاب‌هایی با این اسامی را برای آشنایی دقیق و جزئی با اسلام و مسلمانان نوشته است: «کودکان در جهان اسلام»، «متلاشی کردن اسلام»، «زن مسلمان»، «مسلمانان مسیحی»، «خواهران مسلمان ما»، «طلبۀ مسلمان بعد از خدا»، «تأثیر معنویت در اسلام»، «سفر به شمال عمان»، «وارونه (تصاویر عربی برای کودکان)»، «رابطه با خدا (مطالعاتی پیرامون

نماز)»، «اسلام و مسیحیت» و ده‌ها کتاب دیگر که بیش از هفتاد سال است که در اتاق‌های فکر غرب برای سلطه بر خاورمیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شیخ احمد دیدات (رحمه‌الله) که سال‌ها به بحث و مناظره با بزرگان کلیسا پرداخته است، با بررسی کتب و سخنرانی‌های مختلف مبشّرین و مستشرقین، مجموعهٔ سخنان و اهداف آنان را درک کرد و در یک کتاب نفیس جمع‌آوری کرد که اینک در اختیار شما قرار گرفته است.

از اهمیت این کتابِ کم‌حجم، بس که هر آنچه شیخ احمد دیدات (رحمه‌الله) در ۵۰ سال قبل گفته است[۱]، اکنون در مقابل چشمان خود می‌بینیم. شاید با خود بگویید که چه شد جوامع مسلمان این‌گونه تغییر کردند که دیگر هیچ شباهتی به اسلام ندارند؟ با اطلاع از نقشه‌های جهان غرب، دقیقاً متوجه می‌شوید که چگونه موبه‌مو و گام‌به‌گام تمام نقشه‌های خود را پیاده کرده‌اند تا امت اسلام، با آن ابهت را به ذلت امروزی بکشانند؛ پس برای درمان و اصلاح بهتر است، ابتدا علت بیماری را دریابیم.

مترجم:

بهرام

۱- شیخ احمد دیدات این کتاب را در سال ۱۹۶۸ میلادی نگاشتند که البته بعدها خود ایشان مطالبی به آن افزودند.

از احمد دیدات، خطاب به تمامی مسلمانان!

ای مسلمانان! مسیحیان درهای ما را به صدا درآورده‌اند و فقط افرادی که خود را به نابینایی زده‌اند، این را نمی‌بینند.

۵۰ سال قبل در کویت یک خانوادهٔ غربی مسیحی وجود داشت؛ ولی در این کشور کوچک، ۳۵ کلیسا ساخته شده است.

در کشور اندونزی که پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان است، در حال حاضر ۶۰۰۰ مسیحی تبشیری وجود دارد که به‌طور شبانه‌روزی مشغول تبلیغ دین مسیحیت هستند. این مبشرین مسیحی، قوانین خاص خود را دارند و هیچ‌کس حق انتقاد از آن‌ها را ندارد؛ حتی حکومت اندونزی!

آن‌ها دارای کشتی اختصاصی و قایق‌های مخصوص به خود هستند. به میل و اختیار خود به روستاها و جزایر و مناطق دور افتادهٔ این کشور سفر می‌کنند؛ در حالی که تعداد جزایر این کشور، بیشتر از ۲۰۰۰ جزیره است.

هنگامی که به یک جزیره می‌روند، مردم آن جزیره را به داخل کشتی دعوت می‌کنند و مشغول به برگزاری جشن می‌شوند و بعد از پایان جشن، آن‌ها را به‌سوی مسیحیت دعوت می‌کنند.

هدف آن‌ها این است که این سرزمین اسلامی را به سرزمینی مسیحی تبدیل کنند.

از اواخر این قرن تا سال ۲۰۰۰ میلادی، تقریباً ۶۰۰۰ مسیحی تبشیری[1] در چهار سوی جهان، مشغول به فعالیت هستند که چیزی بیشتر از نصف این افراد در آفریقا مشغول به فعالیتند؛ چرا که مردمان این سرزمین‌ها بسیار فقیر هستند؛ به همین دلیل، بی‌سوادی و جهالت نسبت به دین، در میان این مردمان رواج دارد. عدم درک زبان قرآن (عربی) هم مزید بر علت است و هدف آن‌ها این است که کل قارهٔ آفریقا را در پایان این قرن (منظور تا سال ۲۰۰۰ میلادی) به یک قارهٔ سراسر مسیحی تبدیل کنند.

اسلحه و زرهِ ما در این جنگ، فقط قرآن است.

مدت زمانی است که ما قرآن را می‌خوانیم و حفظ می‌کنیم؛ تنها به این دلیل که به ثواب قرائت آن دست یابیم؛ ولی حال زمان آن است که قرآن را تبدیل به سلاح و زره کرده و به جنگ با مبلغان مسیحی - الحادی برویم.

کلمهٔ تبشیر به معنی «مژده‌دهنده» است؛ ولی بر طبق عادت، به افرادی که مشغول به تبلیغ دین مسیحیت هستند، «تبشیری» گفته می‌شود؛ در حقیقت، آن‌ها مژده‌دهنده به جهنم هستند؛ همان‌گونه که الله (ﷻ) می‌فرماید:

﴿فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾[2] «پس ایشان را به عذاب دردناکی مژده بده!»

۱- مبلغین مسیحی.

۲- سورهٔ انشقاق، آیهٔ ۲۴.

تاریخ آغاز جنبش تبشیری[1]

آغاز جنبش تبشیر، درست بعد از آغاز به کار مستشرقین[2] بود؛ ولی هردو در راستای یک هدف فعالیت دارند؛ چرا که فعالیت مستشرقین، قبل از جنگ‌های صلیبی شروع شد تا به سازوکار و فعالیت جنگجویانی که به قلب اروپا هجوم آورده بودند و آندُلُس را فتح کرده بودند، آشنا شوند و برای مقابله با آنان و آغاز یک جنگ علیه آن‌ها اطلاعات کافی داشته باشند و بعد از پایان جنگ‌های صلیبی نیز به فعالیت خود ادامه دادند؛ ولی فعالیت تبشیری‌ها درست بعد از شکست یافتن مسیحیان در جنگ‌های صلیبی شروع شد تا به وصیت‌نامهٔ «لویی نهم»[3]، جامهٔ عمل بپوشانند؛ چرا که او نسبت به قدرت عقیدهٔ اسلامی به آن‌ها هشدار داده بود.

برای جلوگیری‌کردن از شکل‌گیری یک روحیهٔ جهادی دیگر، صلیب‌پرستان از عقیدهٔ مسیحی نهایت استفاده را کردند و نقشه‌های زیادی طرح‌ریزی کردند تا بتوانند مسلمانان را ضعیف کنند و بر آن‌ها تسلط یابند؛ حال چه از طریق ازبین‌بردن دینشان باشد؛ چه از طریق مشغول‌ساختن آنان با فساد و تباهی؛ چه از راه ایجاد اختلاف بین مردمان یک ملت یا ایجاد درگیری میان دو کشور مسلمان؛ بدین‌سبب، آن‌ها می‌توانند بر کشورهای اسلامی دست یابند و به ثروت‌های مادی، معنوی و فکری آنان تسلط داشته باشند.

آن‌ها می‌خواهند هرچیزی را که بویی از اسلام برده است، از بین ببرند و تمامی احکام اسلامی را منحرف کنند تا خودشان بتوانند در آسایش زندگی کنند. این هدف خبیث را آشکارا به زبان می‌آورند؛ همان‌گونه که در صفحات بعدی ان شاء اللّٰه در مورد آن بیشتر خواهیم خواند.

مراحل تبشیر

مرحلهٔ اول: مسیحی‌کردن مسلمانان

مبشری مسیحی به اسم رید می‌گوید: «**من می‌خواهم که مسلمانان را از محمد به‌سوی مسیح هدایت کنم؛ علاوه بر این، نمی‌خواهم مسلمانان بدانند که هدف من نیکی‌کردن در حق آنان است. من به خودی خود، مسلمانان را دوست ندارم؛ نه فقط به این علت که آن‌ها هم انسان هستند. اگر به خاطر مسیحی‌کردن آنان نبود، آنان هرگز هیچ خیری از من نمی‌دیدند.**»

یک مبشر دیگر می‌گوید: «**هرگاه قرآن و مکه را از بین ببردیم، آن موقع می‌توانیم به تدریج آن‌ها را به‌سوی اهداف خود بکشانیم.**»

تنها هدف آن‌ها مسیحی‌کردن مسلمانان است و تنها می‌توانند از فقرا و افراد کم‌سواد نسبت به دین، افرادی را به‌سوی خود فراخوانند و اگر کسی با برهان و حجت، در برابر آنان قرار گیرد، آن‌ها را ناامید می‌گردانند. نمونه‌ای از بحث بین یک مسلمان و یک مبشر را در آخر این کتاب آورده‌ام.

در قرآن می‌خوانیم:

۱- ایوانجلیسم (Evangelism) یا مسیحیت تبشیری یا به عقیدهٔ برخی‌ها، صهیونیسم مسیحی، همان جنبش تبشیری است. (ویراستار)

۲- غربی‌هایی که در مورد شرقِ خود، مخصوصاً خاورمیانه و کشورهای مسلمان‌نشین فعالیت می‌کنند.

۳- لویی نهم، پادشاه فرانسه که خود شخصاً در جنگ‌های صلیبی شرکت کرد و در اثنای جنگ به علت بیماری طاعون درگذشت.

﴿وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾[1] «یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خشنود نخواهند شد؛ مگر زمانی که از آیین (تحریف شده و خواسته‌های نادرست) آن‌ها پیروی کنی.»

البته آنان پلیدتر از این هستند (تنها به این راضی شوند) که ما دین خود را ترک کنیم و در کفر با آنان برابر شویم؛ همان‌گونه که مبشر، ساموئل مارینوس زویمر[2]، به شاگردانش می‌گوید: «**ما نمی‌خواهیم مسلمانان مسیحی شوند؛ چون این سبب می‌شود آن‌ها (با مسیحی‌شدن) عزتمند شوند؛ بلکه می‌خواهیم آن‌ها را به افرادی سردرگم تبدیل کنیم که از اسلام خارج شده‌اند و به دین مسیحیت نیز وارد نشده‌اند؛ یعنی آن‌ها نه مسلمان باشند و نه مسیحی و در آخرین مرحلهٔ گمراهی (یعنی بی‌دینی و آتئیسم) باشند.**» این است اهداف شوم و افکار خبیثشان!

اگر بیاییم در مورد سرآغاز این جنبش تحقیق کنیم، می‌بینیم که این جنبش بعد از پایان جنگ‌های صلیبی آغاز شد. در طی ده‌ها سال جنگ، از شکست دادن مسلمانان، ناامید شدند و صلیبیان یا به‌عبارتی دیگر، صهیونیسم جهانی از تسلط بر جهان اسلام، ناامید گشتند. شروع به مسیحی‌کردن مسلمانان و دورکردن آنان از دین کردند؛ همان دینی که کارکردی افسانه‌ای بر قلب‌های مسلمانان دارد؛ تنها کلمهٔ «حی علی الجهاد» کافی بود تا هزاران نفر گرد هم آیند و برای به خاک‌وخون‌کشیدن صلیبیان متجاوز، متحد شوند.

مشخص‌کردن سرآغاز این جنبش، کاری ساده و آسان نیست؛ ولی مطمئن هستیم که اولین کنگرهٔ تبشیری در قاهره، سرزمین الازهر، تشکیل شد. در سال ۱۹۰۶ که در آنجا میلیون‌ها پول را خرج کردند و با استفاده از تمامی امکاناتشان تنها توانستند ۲۰ مسلمان را مسیحی کنند که اکثریت آنان را فقرا و کودکان زیر سن بلوغ تشکیل می‌دادند.

در سال‌های بعد، جنبش تبشیری به شکلی وحشتناک مراحل رشد را طی کرد. تعداد مبشرین در حال حاضر، چیزی در حدود ۲۲۰ هزار نفر تخمین زده شده است که از این تعداد، ۱۳۸ هزار نفر آنان کاتولیک و ۸۲ هزار نفر آنان پروستان و بقیه اُرتُدُکس هستند.

هدف آنان این است که تعداد مسیحیان در قاره‌های آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی را به تعداد ۶۰ درصد کل مسیحیان جهان برسانند؛ در حال حاضر، تعداد مسیحیان این سه قاره، ۴۷ درصد کل مسیحیان جهان است.

آن‌ها تعدادی آمار تعجب‌آور را ذکر می‌کنند؛ مثلاً در مالزی طی یک سال، ۵ میلیون نفر مسیحی شده‌اند. این کشور، پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی است که جمعیت آن ۱۵۵ میلیون نفر است. برخی دیگر نیز می‌گویند که ۱۰ میلیون نفر در این کشور مسیحی شده‌اند؛ چرا که ۶ هزار تبشیری با پول و امکانات زیاد و سلاح و آذوقهٔ فراوان در این کشور مشغول به فعالیت هستند تا مردمان را مسیحی کنند.

در پایان سال ۲۰۰۰ میلادی در نیجریه نیز مشغول به همین فعالیت هستند. سرزمینی که تعداد ۶۰ میلیون مسلمان در آن زندگی می‌کنند و پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی در آفریقاست.

۱- سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۲۰، بخش ابتدایی آیه.

۲- Samuel Marinus Zwemer

مرحلهٔ دوم: خروج از اسلام یا گمراه‌شدن

این مرحله، بعد از ناامید شدن تبشیری‌ها شروع شد؛ چرا که آن‌ها نتوانسته بودند، مسلمانان را از دین خود جدا کرده و به مسیحیت ملحق کنند؛ به همین دلیل، شروع به انتشار شبهات در مورد دین کردند تا مسلمانان را سکولار گردانند.

طبق این نقشه، آن‌ها مسلمانان را به موجودی تبدیل می‌کنند که نه از اعتقادات اصیل اسلامی برخوردار است و نه مسیحی است؛ کسانی که فقط به اسم، مسلمان هستند؛ ولی از لحاظ عقیدتی و رفتاری هیچ شباهتی به یک مسلمان ندارند و این به نفع صهیونیسم است؛ چرا که مسلمانان به افرادی بی‌هدف و بی‌اخلاق تبدیل می‌شوند که برای رسیدن به آرزوی‌های دنیایی دست به هرکاری می‌زنند و برای دست‌یابی به اهداف دنیایی خود حاضر به فداکردن هرچیزی هستند؛ ولی اگر کسی ندای «حی علی الجهاد» را شنید هیچ قدمی به‌سوی آن بر نمی‌دارد؛ به همین دلیل، می‌بینیم که جهانیان چگونه به مسلمانان ظلم می‌کنند؛ بدون اینکه هیچ‌کسی جرأت داشته باشد، به چشمان آنان نگاه کند؛ چرا که مسلمانان از قرآن دور شده‌اند؛ همان قرآنی که آنان را به جهاد علیه ظلم و تعدیِ کفار دعوت می‌کند.

مسلمانان، امروزه می‌بینند که چگونه سخنان زویمرِ از خدا بی‌خبر به سرانجام رسیده است؛ آشکارا می‌بینیم که رفتار مسلمانان به‌سان یک نیمچه مسیحی است و هیچ شباهتی به یک مسلمان ندارد. این انسان‌ها هیچ‌چیزی از قرآن نمی‌دانند مگر اسم سوره‌های آن و هیچ‌چیزی از دین نمی‌دانند مگر اسمش را. اکثریتِ آنان اسمشان احمد، محمد، عبدالخالق و ... است؛ ولی درونشان تهی از دین.

بله! افرادی به پیروی از غربیان مشغول شدند؛ به‌طوری که از غربی‌ها غربی‌ترند. افرادی مثل **«طه حسین»**، **«لویس عَوَض»**، **«قاسم امین»**، **«رِفاعه طَهْطاوی»**، **«علی عبدالرزاق»**[1] و ... که خطر افکار این افراد برای اسلام از خودِ غرب بیشتر است و لازم است که این تفکرات را از ریشه بخشکانیم.

همچنین مسلمانانی را شاهد هستیم که آشکارا نامسلمان شده‌اند و درست مانند همجنس‌گرایان هستند و در پوشش، رفتار، شراب‌خواری، بی‌بند و باری و در همه چیز به جز علم و فناوری از غرب تقلید می‌کنند.

این افراد در تمامی کارهای پوچ و بیهوده از غربیان تقلید می‌کنند؛ به درستی می‌توان صحتِ گفتار پیامبر (ﷺ) را مشاهده کرد که می‌فرماید: «**راه و رسم کسانی را که قبل از شما بوده‌اند، وجب‌به‌وجب و متربه‌متر دنبال می‌کنید و از آن‌ها پیروی می‌نمایید؛ به‌طوری که اگر آن‌ها داخل سوراخ سوسمار شده باشند، از آن‌ها پیروی می‌کنید. اصحاب گفتند: ای رسول خدا! منظور و هدف شما از کسانی که قبل از ما بوده‌اند، یهود و نصاری است؟ پیامبر (ﷺ) فرمود: پس چه کسانی غیر از آن‌ها است؟!**»[2]

ما شاهد هستیم که اگر امروز از یک مد جدید در پاریس رونمایی شود، فردای آن، پسرانِ مخنث و دختران سردرگم خودمان آن را برتن خواهند کرد؛ بلکه حتی از آنان نیز پیشی می‌گیرند. به خداوند پناه می‌بریم... .

یکی دیگر از سلاح‌هایی که غربی‌ها برای گمراه‌کردن جوانانمان از دین به کار برده‌اند، سلطه بر نظام آموزش و پرورش است؛ همان‌گونه که زویمرِ شیطان صفت می‌گوید: «**برادران! ما توانستیم نظام آموزش و پرورش را به سلطهٔ خود درآوریم و به واسطهٔ آموزشِ سکولاریسم، چندین کلیسا و مدرسهٔ غربی در کشورهای**

۱- این افراد در دوران شیخ احمد دیدات (رحمه الله) بودند و امروزه افرادی مثل عبدالکریم سروش و دباغ و نراقی و شبستری و نوری‌زاد و ... در جهان فارسی‌زبان جایگزین آنان شده‌اند.
۲- صحیح بخاری، حدیث ۷۳۲۰.

اسلامی بسازیم و ثواب این عمل هم کاملاً به شما می‌رسد؛ چرا که شما زمینه‌سازِ فعالیتِ جمع کثیری از تبشیری‌ها در این بلاد شده‌اید و توانستیم به اهدافمان دست‌یابیم.»

شما تبشیری‌ها، دختران و پسرانی را در این کشورها تربیت کرده‌اید که هیچ ارتباطی با خدا ندارند و نمی‌خواهند داشته باشند. شما توانستید که مسلمانان را از اسلام خارج کنید؛ بدون اینکه مسیحی شوند.

سرانجام، نسل جدیدِ مسلمانان، دقیقاً به همان شکلی رفتار کردند که در لیست اهدافمان انتظار آن را داشتیم. آن‌ها به کارهای بزرگ و مهم، دل نمی‌دهند و به تنبلی و آسودگیِ تن مشغولند. هیچ تلاشی انجام نمی‌دهند؛ مگر برای رسیدن به آروزهایشان. مسلمان نسل جدید، اگر ثروت و سامان جمع کند، برای رسیدن به آرزوهایش است و اگر به پست و مقامی رسید، هدفش رسیدن به آرزویش است؛ حتی برای دست‌یابی به آرزوهایش حاضر است، مقدساتش را نیز زیر پا بگذارد.

مرحلهٔ سوم: دورشدن از اسلام

می‌توانیم از این اصطلاح، به شکلی دیگر مثل تغییر اجتماعی یا غریبه‌شدن یا نوآوری نام ببریم. این مرحله نیز هم‌سو با مراحل قبلی است؛ زیرا آن‌ها فهمیدند نمی‌توانند تمامی امت اسلامی را منحرف کنند؛ چرا که اگر به هرکسی حتی وابستگانِ به غرب هم بگویید که شما مرتد و از اسلام خارج شده‌اید یا مسیحی شده‌اید، به هیچ‌وجه قبول نمی‌کنند؛ به همین دلیل، منحرف کردن آنان از اسلام بهتر است؛ بدین‌گونه که ابتدا آنان را از التزام به اسلام، سست کنند و آنان را به یک مسلمانِ نواندیش تبدیل کنند که اهمیتی به عبادات نمی‌دهند و بعد از آن، کلاً آنان را پیرو دین دیگری کنند. به‌جای اینکه تمامی نمازهایش را بخواند، فقط نماز جمعه را بخواند. به‌جای اینکه روزه‌های سنت را نیز روزه باشد، فقط چند روز در رمضان را روزه باشد و به‌جای اینکه در طول سال مشغول عبادات باشد، فقط ماه رمضان، مشغول نماز و روزه[1] باشد و به‌جای اینکه مصدرِ عقیدهٔ آنان قرآن و سنت باشد، عقیدهٔ آنان مدرن و به‌روز باشد و آرای فلاسفه و مستشرقین را قبول کنند. زنان به‌جای رعایت حجاب و پوشاندن تمام بدنشان، نصف بدنشان را بپوشانند و بعداً هم یک‌چهارم آن را بپوشانند تا اینکه به‌جایی می‌رسند که لُختِ مادرزاد می‌شوند و بدین شکل در خیابان‌ها گردش می‌کنند؛ مثل زنان اروپایی.

متأسفانه در ممالک اسلامی، برخی از زنان، بسیار از زنان غربی مبتذل‌تر و گمراه‌تر هستند؛ چرا که زنان غربی با این همه حجم از کفر و جهالتشان نیز به‌پای برخی از زنان مسلمان از لحاظ بدلباسی و آرایش نمی‌رسند. به قول معروف، آن‌ها «آهسته و پیوسته» مسلمانان را از دینشان خارج می‌کنند تا اینکه تماماً و آشکارا از دین خارج شوند و این خارج‌شدن از دین، در تمامی جنبه‌های آن خواهد بود؛ چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ سیاسی و آموزشی. بدین شکل، اندک‌اندک ریسمانِ اسلام را پاره می‌کنند تا اینکه چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

همان‌گونه که پیامبر (ﷺ) در حدیثی می‌فرماید: **«گره‌های اسلام یکی‌یکی گسسته می‌شود؛ چنان‌که هرگاه یکی از گره‌ها از هم گسست، مردم به گرهِ بعدی چنگ می‌زنند؛ اولین گره‌ای که گسسته می‌شود، حکم (برپایی شریعت) است و آخرین گره هم نماز است.»**[2]

۱- به این‌گونه افراد اصطلاحاً «رمضانیست» گفته می‌شود! یعنی هنگامی که ماه مبارک رمضان فرا می‌رسد، به فکر خدا و پیامبر و نماز و روزه می‌افتند و بقیهٔ سال را یا کلاً بی‌خیال می‌شوند یا بسیار ضعیف، اعمال عِبادی را انجام می‌دهند. (ویراستار)

۲- الإبانة الکبری لابن بطة، حدیث ۴.

تنها سلاح هم در برابر این هجمهٔ ترسناکِ تبشیریان، عبارت است از «برداشتن و بلندکردنِ قرآن» و «شمشیر (اسلحه) در راه الله برای مقابله با این حملهٔ ترسناک» که نبردی سرنوشت ساز بین ایمان و الحاد خواهد بود؛ جنگی بین اسلام و نیروهای ظلم، بین عدالت و ستم، بین روشنایی و تاریکی و بین حق و باطل؛ به همین دلیل، در این جنگ هیچ‌چیزی به جز «قرآن» و «شمشیر»، فریادرَس ما نخواهد بود.

نقشه‌های ایوانجلیست‌ها برای ازبین‌بردن اسلام

قدم‌هایشان برای ازبین‌بردن اسلام بسیار آرام و آهسته بود و اولین قدم آن‌ها ازبین‌بردن «حاکمیتِ شریعت» و آن هم با ازبین‌بردن «خلافت اسلامی» میسر شد که در حکومت سلاطین عثمانی جاری بود؛ هرچند که اشکالات زیادی بر آن وارد بود؛[1] ولی دشمنان می‌ترسیدند که این حکومتِ اسلامی‌مانند، روی حقیقی به‌خود بگیرد و برای آنان خطرآفرین باشد؛ چرا که خلافت اسلامی پروژه‌ای دائمی برای بازگشت و گسترش دین اسلام است؛ به همین دلیل، بعد از یک قرن و نیم تلاش توانستند به آنچه که می‌خواستند دست یابند و بعد از شکست عثمانی‌ها و آلمانی‌ها در جنگ جهانی اول، سربازان یونانی، انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی سرتاپایِ سرزمین عثمانی را تصرف کردند؛ حتی استامبولِ پایتخت نیز از این تصرفات در امان نبود و بعد از آن، داد و ستد «پیمان لوزان» برای دستیابی به صلح بین کشورهایِ درگیرِ جنگ، شروع شد. انگلستان برای بیرون‌بردن نیروهایش از خاک ترکیه این شرایط را مطرح کرد:

- **خلافت باید ازبین رَوَد و خلیفه از خاک ترکیه بیرون رَوَد و اموال و دارایی‌های او تصاحب شود؛**
- **ترکیه باید تعهد دهد که تمامی شورش‌ها و جنبش‌های مرتبط با خلیفه را سرکوب کند؛**
- **ترکیه باید تمامی ارتباطات خود با اسلام را با انجام تغییر رسم الخط و منع حجاب و آموزش سکولاریسم، قطع کند.**

آتاکُفر[2] که در حقیقت یک یهودی بود، تمامی این موارد را موبه‌مو اجرا کرد.

در آن دوران، وزیر خارجهٔ انگلیس در صحن مجلس در مورد وقایع ترکیه توضیح می‌داد و بسیاری از نمایندگان مجلس به‌شدت از او انتقاد می‌کردند که چرا اجازه داد که ترکیه استقلالش را از بریتانیا کسب کند؛ چرا که امکان دارد سایر کشورهای اسلامی را با خود همراه کند و با هم علیه اروپا به جهاد بپردازند. کَرزِن[3] در پاسخ گفت: «**ما بر ترکیه تسلّط پیدا کرده‌ایم و کاری کرده‌ایم که هیچ‌گاه به مانند گذشته نشود؛ چرا که ما دو ستون اصلی، یعنی «اسلام» و «خلافت» را ازبین‌برده‌ایم.**» حاضران در مجلس، شدیداً او را تشویق کردند.

۱- سَلاطین عثمانی در ابتدا خدمات بسیاری در جهت نشر دین انجام دادند؛ ولی متأسفانه در اواخر حکومتشان به فساد و ظلم آغشته شدند و حتی آخرین سطان عثمانی یعنی عبدالحمید ثانی (رحمه الله) با تمامی اصلاحات و خدماتی که انجام داد، نتوانست مانع از فروپاشی آن به‌دست نژادپرستان شود.

۲- منظور از آتاکفر، «آتاترک» است. نام اصلی او، «مصطفیٰ کمال‌پاشا» است که نژادپرستان به او لقب «آتاترک» به معنی «پدر ترک» داده‌اند؛ ولی حقیقتاً اگر بخواهیم فردی را به‌عنوان پدر معنوی ترک‌ها معرفی کنیم، مطمئناً افرادی مثل «سلطان محمد فاتح» و «سلطان سلیم عثمانی» برای این لقب، شایسته‌تر هستند.

۳- لُرد کرزن، وزیر امور خارجهٔ بریتانیا که پدرش یک اسقف مسیحی معروف بود.

ازبین‌بردن قرآن

سیاستمدار انگلیسی، گلادْسْتون[1]، می‌گوید: «**تا هنگامی که قرآن در میان مسلمانان در دسترس باشد، اروپا نمی‌تواند بر شرق تسلط پیدا کند؛ بلکه حتی خودِ غرب در آسایش نخواهد بود.**»

ویلیام گیْفورد پالْگراو[2] می‌گوید: «**هرگاه که قرآن، مکه و مدینه از روی نقشهٔ جهان نابود شوند، آن وقت است که می‌بینیم مسلمانان طوری زندگی خواهند کرد که مخالف دستورات محمد و قرآن باشد.**»

تکلی می‌گوید: «**لازم است «قرآن» را که قوی‌ترین سلاحِ اسلام است، علیه مسلمانان به کار ببریم تا وقتی که کاملاً ازبین‌برود؛ لازم است که به مسلمانان بگویم که گفته‌های قرآن، تازه نیستند و گفته‌های تازهٔ آن نیز به دور از حقیقت و دارای اشتباه است.**»

ازبین‌بردن اخلاق اسلامی

پیْکتال (ﷺ)[3] می‌گوید: «**مسلمانان می‌توانند تمدن خود را در جهان منتشر کنند؛ دقیقاً به همان سرعتی که در ابتدا شاهد آن بودیم؛ به‌شرطی که پیروِ مصدرِ اصلیِ خود باشند؛ چرا که این جهانِ پوچ نمی‌تواند در مقابل تمدن آن‌ها مقاومت کند.**»

ساموئل مارینوس زویمر در کتاب «متلاشی‌کردن اسلام»[4] می‌گوید: «**تبشیر در انتشارِ تمدنِ غرب، دو شاخصه را دارا می‌باشد: شاخصهٔ تخریب و شاخصهٔ بنیادکردن.**» منظور از تخریب‌کردن این است که ازبین‌بردن دینِ مسلمانان ولو اگر بی‌دین هم شوند، بدون اشکال است و منظور از بنیادکردن، مسیحی‌کردنِ مسلمانانی است که پیرو تمدن غربی باشند و در برابر ملت خود مقاومت کنند. همچنین او می‌گوید: «**مادامی که مسلمانان از کتب و دین مسیحیت بیزاری می‌جویند، لازم است که کتاب‌ها و آموزش‌های سکولار را به آن‌ها عرضه کنیم؛ چرا که این آموزش‌ها نیز به ما در ازبین‌بردن اسلام کمک خواهند کرد.**»

ازبین‌بردن اتحاد مسلمانان

لورنس براون می‌گوید: «**اگر مسلمانان، تحت یک امپراتوری، متحد شوند، ممکن است به یک کابوس برای جهان تبدیل شوند؛ ولی اگر متحد نباشند، مایهٔ خیر و برکت خواهند بود؛ چرا که در آن موقع، آن‌ها ضعیف می‌شوند و قدرتی نخواهند داشت.**»

آرنولد توین‌بی[5]، تاریخ‌نگار مشهور، می‌گوید: «**اتحاد اسلامی در خواب است؛ ولی لازم است یادآوری کنم که هرلحظه ممکن است از خواب بیدار شود.**»

۱- Gladstone

۲- William Gifford Palgrave

۳- «محمد مارمادوک پیکتال»، یک سیاستمدار مسیحی انگلیسی بود که در جوانی مسلمان شد و بارها از سیاست‌های انگلستان و دخالتش در امور سایر کشورها انتقاد کرد؛ همچنین وی قرآن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد.

٤- The Disintegration Of Islam

٥- Arnold Joseph Toynbee

بدگُمان‌کردن مسلمانان نسبت به دینشان

در کتاب تبشیری‌هایی که در میان مسلمانان بوده‌اند، ذکر شده است: «**مسلمانان ادعا دارند که دینشان تمامی نیازهای یک جامعه را برطرف می‌کند؛ بر ما دعوتگران لازم است که با همهٔ سلاح‌های فکری و روحی علیه این دین بایستیم.**»

ساختن دیکتاتوری سیاسی در جهان اسلام

ویلیام رابرتسون اسمیتِ[1] مستشرق می‌گوید: «**اگر مسلمانان آزادی داشته باشند و در سایهٔ حکومت‌های دموکراتیک زندگی کنند، در این‌صورت اسلام پیشرفت خواهد کرد. در این سرزمین‌ها فقط به‌وسیلهٔ دیکتاتوری می‌توانیم ملت را از دین دور نگه‌داریم.**» همان‌گونه که در الجزایر وقتی که احزاب اسلامی در انتخابات شرکت کردند، ۸۰ درصد آرا را به خود اختصاص دادند؛ ولی فرانسه، مادرِ دموکراسی و آمریکا، صادرکنندهٔ دموکراسی، الجزایر را تهدید کردند که در صورت تشکیل حکومت دینی به این کشور حملهٔ نظامی خواهند کرد؛ هرچند که مسلمانان به‌وسلیهٔ آرای مردمی پیروز شده بودند. گابریل هانوتو[2]، وزیر سابق فرانسه، گفت: «**ما از آرای این ملت که مدت‌ها تحت تسلط ما بودند، هنوز هم می‌ترسیم؛ چرا که هنوز به‌صورت کامل، قدرت آن‌ها در هم نشکسته است.**»

یک روش موفق برای کسانی که در برابر مسیحیانِ گمراه ایستادگی می‌کنند.

من دوستی دارم که در لندن زندگی می‌کند. او تعریف کرد که یک کشیش مسیحی روزی به منزل او آمد و خواست که او را مسیحی کند. دوست من از او پرسیده بود: «آیا به تمامی انجیل ایمان داری؟» کشیش جواب داد: «بله.» دوستم یک لیوان سرکه آورد و به کشیش گفت: «این زهر است؛ بیا این را بخور!» کشیش سؤال کرد: «چرا؟» عبدالرحمن به او گفت: «مگر در انجیل مُرقُس، بخش ۱۶، آیات ۱۷ و ۱۸ ذکر نشده است که: «**و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود: به نام من دیوها را بیرون خواهند کرد و به زبان‌های تازه سخن خواهند گفت و مارها را با دست‌هایشان خواهند گرفت و هرگاه زهری کُشنده بنوشند، گزندی به آن‌ها نخواهد رسید و دست‌ها بر بیماران خواهند نهاد و آن‌ها شفا خواهند یافت.**»» کشیش بدون هیچ تأملی گفت: «من به این آیه از انجیل ایمان ندارم.» عبدالرحمن به او گفت: «خوب! بگو چه نوع زهری دوست داری؟» کشیش دوباره گفت: «من به این آیهٔ انجیل ایمان ندارم.» و فرار کرد!

برادران و خواهران مسلمان! شما می‌توانید بدین‌گونه در برابر هرکسی که در مورد مسیحیت، حرف‌های گنده‌تر از دهانش زد، بایستید؛ به‌خصوص در برابر کشیشان و مبشران.

بله؛ ای دوستانِ من! اگر بدین‌گونه عمل کنید، می‌توانید خود را از چنگال این دعوت‌کنندگان به جهنم نجات دهید و زین پس، آن‌ها هیچ‌گاه نزد شما نخواهند آمد.

۱- William Robertson Smith

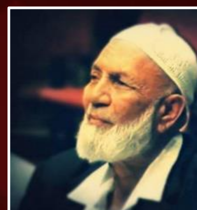
۲- Gabriel Hanotaux

﴿وَ قالَ الرَّسُولُ يا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً﴾[1] «و در قیامت، پیامبر شِکوه‌کنان می‌گوید: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را رها کردند (و به آن بی‌توجه شدند).»

سخنی با خوانندگان

مجموعهٔ رد شبهات ملحدین این کتاب را ترجمه کرده است. نشر این کتاب به هرصورتی بلامانع است. امید است که خداوند آن را مایهٔ سعادت نویسنده، مترجم و ویرایشگر آن و کسانی که در انتشار آن به هرصورتی از قبیل چاپ و پخش بین مردم، بازنشر، فوروارد و ... سهیم هستند، قرار دهد.

۱- سورهٔ فرقان، آیهٔ ۳۰.



کلمهٔ تبشیر به معنی «مژده‌دهنده» است؛ ولی بر طبق عادت، به افرادی که مشغول به تبلیغ دین مسیحیت هستند، «تبشیری» گفته می‌شود؛ در حقیقت، آن‌ها مژده‌دهنده به جهنم هستند؛ همان‌گونه که الله (ﷻ) می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرۡهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ «پس ایشان را به عذاب دردناکی مژده بده!»

استاد احمد دیدات (رحمه الله)

اسلحه و زرهِ ما در این جنگ، فقط قرآن است. ص ۱

